

گزارشی از سمینار "تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران" ۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت -  
دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

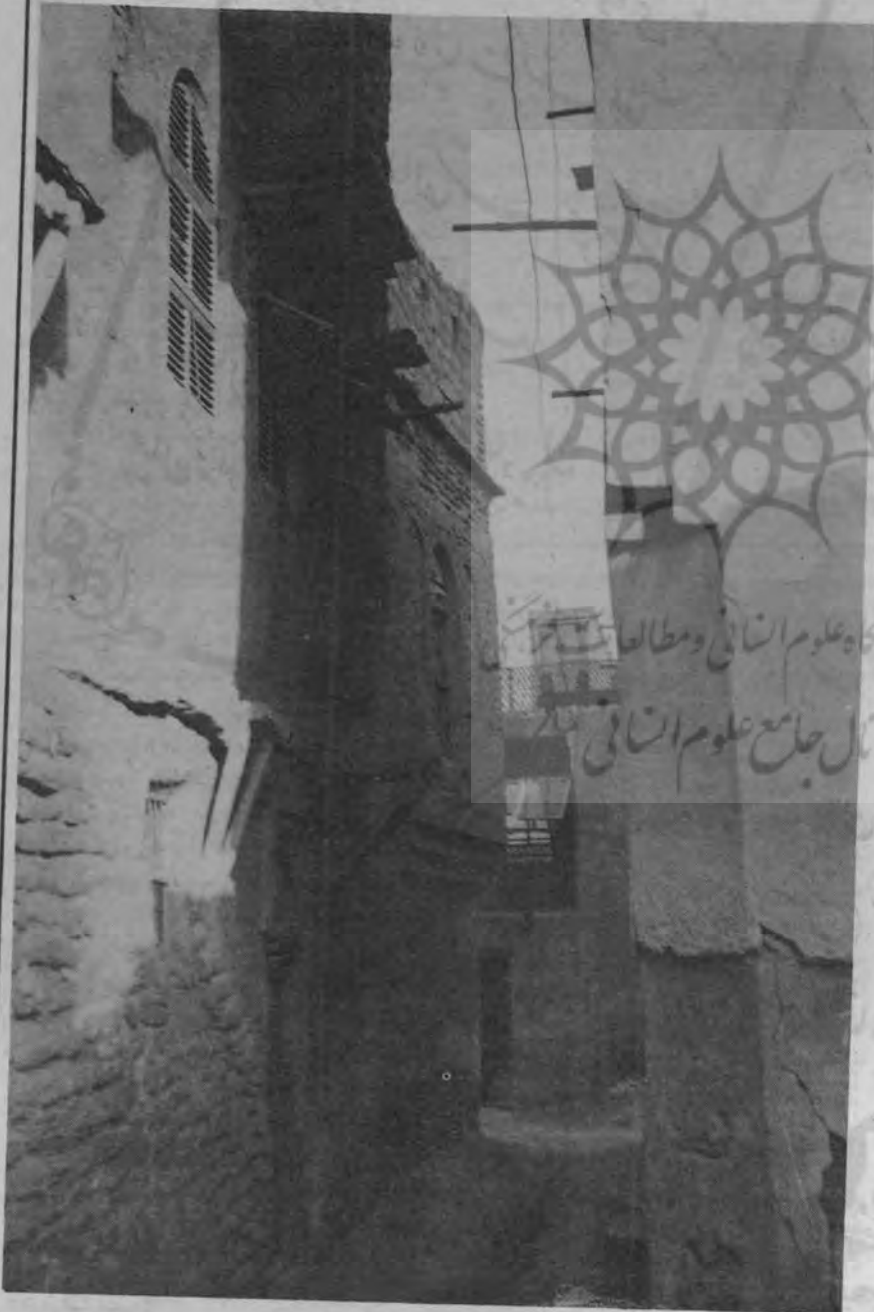
# عدم هماهنگی در حفظ بافت قدیمی شهرها

ترانه یلدا

استقبال از سمینار "تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران" از سوی متخصصین و کارشناسان، شهرداران، مسئولان، نهادها و سازمانهای دولتی، دانشجویان، معماران و شهرسازان، چشمگیر بود، بخصوص آنکه شرکت فعال و تحسین برانگیز دانشجویان و استادان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت در گرداندن سمینار به نحوی شایسته باعث شد سه روز تمام از ۸ صبح تا ۶ و ۷ عصر، دو سالن آمفی تاتر بزرگ دانشکده لبریز از شرکت کنندگان علاقمند باشد.

لحن سخنرانان گاه خودمانی و درگیر با مسائل عینی و روشن بافتهای قدیم - چنانکه رسم معماران است، بیشتر مربوط به کالبد زیبا و رو به زوال این بافتها - بود؛ و گاه بسیار فلسفی و گنگشانی می شد و "انسان" و "کائنات" و "ارزشهای معنوی" را به بحث می گذاشت. به هر حال، اگرچه برخی صحبتها متوجه مسائل کلی شهر و شهرسازی نیز بود، اما شاید همانطور که در جلسه آخر یکی از خانمهای شرکت کننده در سمینار گفت، در واقع در مورد "تداوم حیات در بافت قدیم" آنطور که انتظار می رفت صحبت نشد، بلکه بیشتر در مورد مرمت تک بناهای تاریخی، معماری، و خلاصه حفظ کالبد بافتهای قدیم - به عنوان سندهایی تاریخی - صحبت شد. البته در خلال صحبتها به مسائل و علل جامعه شناسانه و اقتصادی زوال بافتهای قدیم شهری اشاراتی شد، اما در ریشه یابی این علل کسی به عمق نرفت، چرا که هم فرصت کوتاه بود و هم وجوه مختلف مسئله گوناگون و وسیع.

خوشبختانه، علمی و دوستانه بودن محیط سمینار باعث شد گوشه ای از اطلاعات در مورد پروژه ها و طرحهای به روی کاغذ و نقشه آمده در مورد شهرهای ایران - بخصوص در مورد تهران، که امسال دویستمین سال تولدش را میونسکو در پاریس برگزار می کند - عمومی شود، و سخن نیکو در جای خود و نکته های جالب در مکان خود، بالاخره به گوش علاقمندان برسد. آنچه مختصراً در اینجا از نظر می گذرد برداشتهایی است که در آن مجموعه ای از مسائل مطروحه در سمینار، مقداری مدارک و مقالات مربوط به بخش احیای بافت قدیم وزارت مسکن و شهرسازی و نظرات شخصی نویسنده مقاله گنجانده شده است.



انگیزه‌های ما در حفظ و احیای بافت‌های قدیمی شهرها چیست؟ آیا این بخش‌های فرسوده شهرها واقعا با ارزش و قابل نگهداریست؟ آیا صرف اینکه عده‌ای روشنفکر و هنرمند معمار، باستان‌شناس، شهرساز، شرق‌شناس و غیره بنشینند و در لزوم حفظ بافت‌های قدیمی شهرها داد سخن سر دهند و بر ارزش‌های هنری و فرهنگی آن ارج نهند کافیتسا اقداماتی اساسی در این راه صورت گیرد؟ درست است که خاطرات دوران گذشته و کودکی‌های پرهیجان و فراموش‌نشده بسیاری از ما در محیط موزون و پیر از رمز و راز خانه‌های قدیمی و کوچه‌های باریک و "با مقیاس انسانی" همین محلات قدیمی شکل گرفته، اما آیا لزوم حفظ پیوند با گذشته و تاریخ، به خاطر غنا بخشیدن به فرهنگ عمومی مردم این مرز و بوم، در نظر ساکنان همین محلات قدیمی و اکثریت مردم کوچه و بازار کشور ایران، روشن و معلوم است؟ آیا همه می‌دانند که گذشته از ارزش‌های معنوی، از نظر اقتصادی نیز، مرمت و بهسازی برخی از این محلات مقرون به صرفه‌تر از بولدوزر انداختن در آنها و از نو ساختن آن حجم عظیم از زیربنای مسکونی و خدماتی است؟ طیف نظریات وسیع است و در عقاید عمومی مردم اگر اه و انرجار از زندگی در محلات قدیمی بیشتر از شوق و میل به تعمیر و زندگی در آنهاست مشکلات زندگی در این محلات ارقبیل عدم امکان دسترسی با اتومبیل به داخل محله، لوله‌کشی‌های فرسوده، نداشتن حمام و توالت مناسب و وسایل گرم‌کننده مدرن، بزرگی بودن خانه‌ها به نسبت تعداد افراد خانواده - که به تدریج تحت تأثیر الگوی زندگی امروزی، بعد آن کوچکتر و کوچکتر شده، چون دیگر هیچ نوع عروس یا تازه دامادی حاضر نمی‌شود در خانه، مادر شوهر و پدر زن زندگی کند - طی قواصل زیاد با پای پیاده برای رفتن به مدرسه یا رسیدن به محل دکان و بازار و اساساً فرسودگی و از هم پاشیدگی کلی در و دیوارها، این محلات را در نظر ساکنین اصیل و قدیمی‌شان نامطلوب، بی‌فایده، و درست - ناشدنی جلوه می‌دهد. ساکنان قدیم بافت فرسوده قدیمی دسته‌دسته به محلات نوسازتر شهر کوچ می‌کنند و فضای آن را برای مهاجرین شهرستانی و روستاییان تازه به شهر آمده باقی می‌گذارند. ساکنین جدید هم نه دلشان برای این فضاها سوخته، و نه امکان تعمیر فضاهای زیستی در آن برایشان فراهم است. بنابراین بافت‌های قدیمی عموماً با سرعتی انتحاری رو به زوال می‌روند. در ریشه‌یابی مسئله به طور خلاصه باید گفت که احترام و علاقه نسبت به

فرهنگ و سن قدیم در نظر بسیاری از مردم مسلولم حفظ کامل بافت‌های قدیمی شهرها نیست - بلکه حفظ تک‌تانه‌ها، گردآوری اشیای قدیمی در موزه‌ها، و برگزاری مراسم سنتی در فضاها شهر جدید برای این کار می‌تواند کافی باشد - اما منافع صرفاً اقتصادی نیز اغلب به طور اساسی به این طرز فکر ظاهر "نوگرا" پروبال می‌دهد. برای خیلی‌ها تخریب و از نو ساختن خانه‌های بافت قدیم به شیوه "معماری ساز" یا "بازاری"، با تراکم‌های محار ساختمانی بالاتر، سودآورتر است، و با وجود بازار داغ مستغلات شهری، ساکنان محلات قدیم اغلب به دلایل ساده اقتصادی ترجیح



می‌دهند خانه‌های کلتگی‌شان را، که لافل زمینی آن به خاطر موقعیت مناسب شهری بیشتر می‌آرد، رها کنند، و از شرایط بد بهداشتی، فقدان ارتباطات و تأسیسات و غیره در محله خود، به محلات نوساز شهر پناه ببرند، بخصوص آنکه عوامل مهم دیگری مانند ارت، که اغلب به فروش خانه یا تقسیم فضای واحد مسکونی منجر می‌شود، باعث تسهیل این امر می‌گردد.

بنابراین می‌بینیم که فقدان تبلیغات فرهنگی لازم در سطح جامعه در جهت حفظ و احیای بافت‌های قدیمی، عدم وجود هماهنگی‌های لازم میان دستگاه‌های دولتی (مسئول)، و ناآگاهی و ناتوانی بخش خصوصی مالک خانه‌های واقع در بافت قدیم، در حفظ، مرمت و استفاده مناسب از ساختمان‌های فرسوده بافت قدیم، از نشانه‌های بازمانده از شهرهای قدیم مان روز به روز می‌کاهد. هر روز دهها و شاید صدها سردر و دیوار قدیمی، در شهرهای ایران خراب می‌شود، آئینه‌کارها و گچ‌بریها و پنجره‌های مسیک رنگارنگ ارجا کنده می‌شود و جای آن را با ساختمان‌های بی‌قواره، بی‌هویت و کم‌ارزش از نظر هنری می‌گیرند. و چنین است که آن برخوردهای عاطفی که به دنبال راه چاره درست و بجای نبوده‌اند با شکست مواجه می‌شوند.

ارتباط کل شهر با بافت قدیم:

رشد سریع شهرنشینی در ایران، بخصوص در سه دهه اخیر، از دیاد روزافزون جمعیت، و همگام نبودن و عقب افتادن آهنگ رشد و توسعه اقتصادی کشور از دورود فوق، باعث به وجود آمدن پیچیدگیها و معضلاتی در اداره امور شهرها و کنترل رشد بی‌رویه و ناموزون آنها شده است. روندی که بر مسائل بافت قدیم بی‌تأثیر نیست! جمعیت شهرنشینی که در اولین سال سرشماری عمومی یعنی سال ۳۵، تنها ۳۱ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌داد، در سال ۴۵ به ۳۹ درصد، در سال ۵۵ به ۴۷ درصد، و در سال ۶۵ به ۵۴ درصد آن رسیده است. به گفته متخصصین، در سال ۱۴۲۰، جمعیت ۲۴۰ میلیون نفری کشورمان با کمبود قحیح مسکن روبرو خواهد بود، زیرا از ۵۰۰ هزار خانه‌ای که باید سالانه ساخته شود، ۱۵۰ هزار تای آن بیشتر ساخته نمی‌شود. تعادل اکولوژیک شهرهای بزرگ ایران سالهاست به هم خورده و بافت‌های حومه‌ای و پراکنده به طور خودرو، با شبکه‌های بی‌برنامه، و با خدمات شهری نا کافی در اطراف شهرها سر بر آورده‌اند.

بدین ترتیب بافت قدیم در دل شهر همواره سهم کمتری از جمعیت و بالطبع مقدار کمتری از اهمیت و اولویت را به خود اختصاص می‌دهد، سطح این بافت نیز نسبت به کل مجموعه توسعه یافته شهر، در اغلب شهرها از ۱۰ الی ۲۰ درصد از سطح شهر تجاوز نمی‌کند. حال مسئله اصلی از نظر شهرسازی نیازهای خدماتی و کمبود فضاهای شهری مانند مدرسه و پارک برای ساکنان بافت‌های قدیمی و ازدیاد تراکم فعالیت‌های اجتماعی و تخریب در بافت قدیم است. همین فشردگی بیش از حد، پس از اشباع و برخورد با نارساییهای هر روزی باعث انتقال فعالیت‌های تجاری به نقاط جدیدتر و همچنین کشیده شدن جمعیت محلات قدیم به محلات نوسازتر می‌شود. مثلاً مرکز شهر تهران به تدریج از اطراف بازار و آرک به طرف شمال متغایر شد و حدود ۲۰ سال پیش به خیابان انقلاب رسید و سپس به کریمخان، و اکنون به تخت طاووس و عباس‌آباد کشیده شده است. بافت قدیمی در اثر حالی شدن به تدریج چهره عوض می‌کند، مرکزیت خود را از دست می‌دهد و بر فرسودگی و عدم تعادل آن افزوده می‌شود.

راه حل منطقی برخورد با مسئله:

شاید بتوان امید داشت که بین دو طرز تفکر قطبی که یکی خواستار تخریب کلی بافت قدیم و از نوسازی محلات قدیمی برای رفاه ساکنان است، و آن دیگر، که به دست نخورده

نگهداشتن بافت قدیم به خاطر ارزشهای فرهنگی و زیبایی شناسانه آن تأکید دارد، راه حل متعادل تری بتواند در میان طیف مختلف عقاید ارائه شده به ثمر رسد، تفکری که ضمن ارزش قائل شدن برای فضاهای خاص و باارزش داخل برخی بافتهای قدیمی شهرها، معتقد به لزوم حفظ و مرمت این بخشهای خاص از شهر قدیم است، اما در کنار آن، دخل و تصرف در آن بخش بکلی زایل شده از بافت را جایز می داند، به شرط آنکه این کار با یک معماری حساب شده و تحت ضوابط و روابطی موزون و هماهنگ با معماری قدیم همحوار صورت پذیرد. روشن است که دست زدن به هرچه ساختمان فرسوده و تخریب شده قدیمی ممکن نیست. برخی ساختمانهای مفید و باارزش باید قبل از اینکه کاملاً از بین بروند تعمیر شوند، و به جای برخی دیگر که تاکنون از بین رفته اند باید دوباره ساخت، منتها، به صورتی که از نظر سبک و رنگ و تداوم شکل معماری ناهماهنگی و عدم توازن به وجود نیاید و کل محله در ظاهر بافت و حرکت یگانه و خاص خود را حفظ کند. و بالاخره لازم به تأکید نیست که بهسازی در محلات قدیمی، اگر با فراست و سلیقه و طبق برنامه و طرح مناسب انجام گیرد، بسیار کم خرج تر و کارآتر از نوسازی کامل آنها خواهد بود. بدین ترتیب، در شرایط حاضر کمبود مسکن، و ازدیاد روزافزون جمعیت شهرها، بهسازی بافتهای قدیم می تواند علاوه بر حفظ ارزشهای فنی و هنری گذشتگان و پاسخویی به نیازهای معنوی و فرهنگی مردم ما، با استفاده صحیح از فضاهای موجود در بافت قدیم، کمکی نیز به مشکل کمبود مسکن و خدمات کرده باشد. در این زمینه طرحهای مختلفی در مورد شهرهای مختلف ایران در سمنار معرفی شدند که در مورد تهران و یزد با تفصیل بیشتری صحبت شد.

آنچه به طور کلی از گفته های سخنرانان در سمنار برداشت شد این بود که ریشه بسیاری از مسائل در عدم هماهنگی و رقابت میان دستگاههای مسئول شهرهاست. گفته شد کفایت وزارتخانه های طرحی را پیشنهاد کند تا دیگری در رد آن بکوشد! در مورد طرح پیشنهادی برای مرکز تاریخی تهران نیز یکی از سخنرانان امیدوار بود "بالاخره زعمای قوم بر سر این طرح به توافقی برسند!"

#### پیشنهاد های اجرایی:

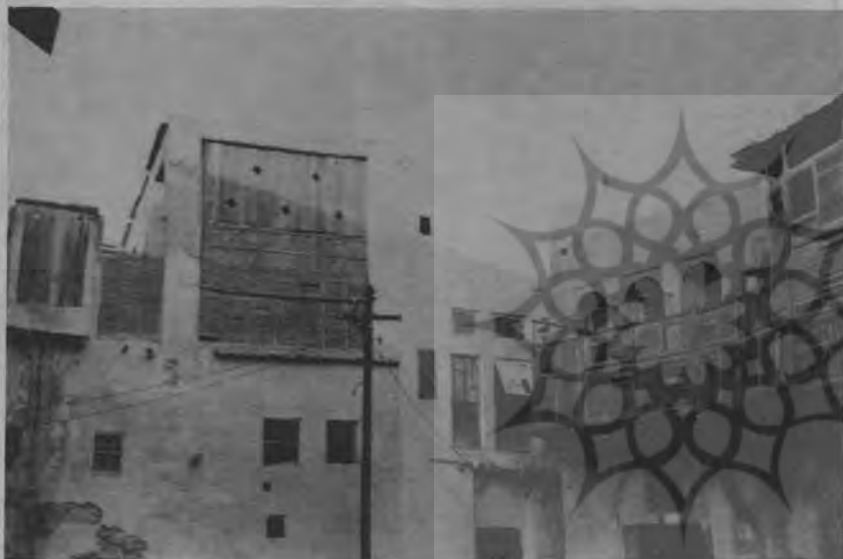
از دوره قبل از انقلاب تاکنون پیشنهاد های اجرایی - سازمانی زیادی از طرف افراد یا دستگاههای مختلف دولتی دست اندرکار حفظ و مرمت آثار باستانی و قدیمی ارائه شده است، که اغلب در مرحله اولیه پروژه و طرح باقی مانده اند. مثلاً برای محلات قدیمی بازار و

عودلاجان در تهران در سالهای ۵۰ خانم مهندس فرنگیس رحیمیه از طرف شهرداری تهران طرحهای اجرایی تفصیلی مطالعاتی مرمتی مفصلی تهیه کردند، که با برخورد به انقلاب مسکوت ماند.

تنها تجربه بارز و موفق، که پس از انقلاب و به همت شهردار شهراصفهان به ثمر رسید، اجرای پروژه بخش قدیمی اصفهان بود که به قیمت تحمل اعتراضات مختلف هنوز نیز با قدرت تمام ادامه دارد، و تجربه آن می تواند سرمشق بسیاری شهرهای دیگر قرار گیرد.

خلاصه نظریات دفتر بهسازی و بازسازی بافت قدیم وزارت مسکن و شهرسازی برای حل معضلات مالی و سازماندهی فنی - اجرایی

نظیر واحدها و مجموعه های تجاری - هتل و غیره است که گروههای طراحی در مراحل تدوین طرح به عنوان عناصر سودآور که سرقتی آنها در زمانی که بافت قدیم فعال گردد چندین برابر خواهد شد، بدان توجه خاص خواهند نمود. و بالاخره پیشنهاد شده است وامهای مرمتی از منبع بانکی جداگانه ای در اختیار خود ساکنان شهر قدیم قرار گیرد. لازم به تأکید نیست که پای اصلی کمک به جریان بهسازی بافت قدیم همواره شهرداریها خواهند بود که با بهره گیری از امکانات خود در مورد تملک عرصه و اعیان زمینهای مورد نیاز برنامه های مرمتی طبق قوانین موجود و مصوب سال ۱۳۳۹ را در اختیار مجریان طرح بگذارند (یعنی زمینها را به قیمت عادلانه روز و از محل



طرحهای بازسازی و بهسازی بافت قدیم چنین است: از نظر این گروه مطالعاتی، باید از یکسو، واحدی قدرتمند و فنی تحت عنوان "سازمان عمران و بهسازی بافت قدیم" به وجود آید، و از سوی دیگر منابع مالی و امکانات قانونی مختلف موجود و یا قابل ایجاد را برای اجرای کار به حرکت درآورد. تأمین منابع مالی می تواند اولاً از محل عوارض نوسازی مردم ساکن محلات قدیمی به بازسازی همان محلات اختصاص یابند و از محله خارج نشوند، ثانیاً از طرف دولت از طریق اعتبارات استانی و ملی که هر ساله از طرف سازمان برنامه و بودجه به منظور اجرای برنامه های عمران شهری اختصاص می یابد، ثالثاً از منبع کمکهای وزارت کشور به شهرداریها که علیرغم برنامه "خودکفایی شهرداریها" هنوز تا حدودی به قوت خود باقی است، رابعاً به صورت وامهای بانکی از سوی نظام بانکی کشور. شرطی که بانکهایی گفتگوهای انجام شده برای دادن وام گذاشته اند، امکان بازگشت سرمایه از طریق احداث منابع درآمد

منابع مالی طرح بخردند). بی شک تمام این پیشنهادات شدنی است. به شرط آنکه افراد مسئول، بخصوص از دستگاههای دولتی هشیارانه و با ابتکار و پشتکار عمل کنند و هماهنگیهای لازم بین دستگاههای مختلف اجرایی و مالی به وجود بیاید و استمرار یابد.

#### لزوم تهیه و اجرای ضوابط و مقررات مخصوص بافت قدیم:

ضوابط و مقررات موجود شهرسازی، یعنی آنچه به پیشنهاد طرحهای جامع و تفصیلی هر شهر، برای کنترل بر اجرای ساختمان سازی در شهر در اختیار شهرداری آن شهر قرار می گیرد، ضوابطی نارسا، و در اکثر اوقات مخالف مصالح معماری بافت قدیم است: آنجا که بی توجه به کلیت بافت قدیم، تراکم مرکز شهر زیادتر از آنچه بوده تعیین می شود و محدودیتی هم برای ارتفاع ساختمانها قائل نمی شوند، آنجا که به علت مشکلات ترافیکی

حکم به تعریض خیابانها و کوچه‌های اصلی و مهم باقت قدیم می‌دهند و بدین ترتیب تمام ساختمانها و عناصر مهم کالبدی قدیمی اطراف گذر از بین می‌رود، آنجا که خیابانی عریض و جدید، بدون مطالعه ناگهان بازار را به دونیم می‌کند یا ترکیب همگون یک محله قدیمی را بی‌رحمانه برهم می‌زند، آنجا که سنگ و آجر و شیشه نمایی ناهمخوان و زشت برای بدنه یک خیابان می‌سازند، همه مواردی از ندانم-کاریهای کنترل نشده است.

شاید در این میان تمام تقصیرها هم با دولت و تهیه‌کنندگان خصوصی طرحهای شهری - مهندسی مشاوره که به سفارش وزارت مسکن و شهرسازی یا وزارت کشور طرحهای جامع، تفصیلی و هادی را برای شهرهای بزرگ و کوچک تهیه و ضوابط حداقلی را نیز برای اجرای طرح در کل سطح شهر تدوین می‌کنند - نباشد و سلیقه و فرهنگ ناپخته مردم هم در این ناموزونی دخیل باشد. اما اگر قبول کنیم که سلیقه‌ها متفاوت است و هرکس سعی می‌کند به دلخواه خود در زمینی که مالکش است ساختمان بسازد، پس به هر حال ارائه طرحی به جزئیات هرچه مشخص‌تر در مورد بدنه‌سازی خیابانها، ارتفاع طبقات ساختمانها، تعداد و نوع پنجره‌ها، و کل سیمای شهری کوچک و خیابانها می‌تواند از ناهماهنگیها بکاهد. و البته گویا چنین قوانینی در وزارت مسکن و شهرسازی و نیز در سازمان میراث فرهنگی در دست تهیه است. امید است که این کوششها در آینده کارسازتر باشد.

#### مردم و مشارکت مردم

به مسئله چگونگی مشارکت مردم در بهسازی محلات قدیمی چندجا، و باحرارت، اشاره شد. به مردم باید فرهنگ "عبثت گرفتن" از گذشتگان القا شود (گویا این عبارت در اساتمامه سازمان میراث فرهنگی، "وارث بلافصل آثار باقیمانده از گذشتگان" آمده است). البته، این کار می‌تواند از طریق آموزش و تبلیغ از طریق وسایط ارتباط جمعی انجام گیرد. اما وقتی صحبت برسر سرنوشت محله و خانه افراد است، آیا آموزش از راه دور کافیست؟ مردم باید مستقیماً در تصمیم‌گیریهای محلی دخیل و سهیم باشند! باید نه تنها صدایشان، بلکه دستشان هم درکار باشد. در محلات بافت قدیم قدم به قدم طرحهایی که از طرف مسئولین تهیه می‌شود باید با نظر و همیاری مردم تهیه و اجرا شود. تنها در این صورت است که مردم کار را و محله را و ارج نهادن به ارزشهای معنوی آن را از آن خود و وظیفه خود خواهند دانست.

#### معماری مدرن و معماری پُست مدرن:

در حاشیه صحبت‌های سمینار، نرخی هم

هستند، چرا نباید همین افراد علاقمند و هنرمند، با کوشش از سوی دولت، گرد هم جمع شوند و در شناساندن این شهرهای زیبا و ارزشمند به مردم قدمی به پیش بردارند؟

#### طرح پیشنهادی برای احیای مرکز تاریخی تهران

یکی از طرحهایی که به صورت یک کار هنوز غیرمصوب و در چارچوب "طرح ساماندهی تهران" پیشنهاد شده و در سمینار نیز مطرح شد، طرح احیای مرکز تاریخی تهران است. ایده کلی این طرح عبارت است از پرداختن به کالبد این مرکز تاریخی، در سه کانون یا محدوده اصلی: سبزه میدان، توپخانه و بهارستان، حفظ و مرمت بناهای تاریخی

● یافته‌های قدیمی شهرها نباید تبدیل به موزه‌های آرام و بی‌جان شوند. تنها راه زنده ماندنشان حرکتشان است!

● هماهنگی میان مقامات مسئول و نهادهای دولتی و محلی (شهرداریها)، و ایجاد هماهنگی و ارتباط میان دستگاهها و مردم ساکن در محلات قدیم از ضروریات احیاء این بافتهاست.

● معماری قدیم و زندگی قدیم در محلات باید به مردم شناسانده و معرفی شود، تا مردم از مواهب و مضرات این فضاها باخبر شوند، و آنجارجارشان از هر آنچه کهنه‌است، نفرتی کورکورانه نباشد.

دولتی و عمومی موجود در این سه کانون، و پیدا کردن موارد استفاده و نقشهای جدیدتر، و فرهنگی‌تر برای این بناها. واضح است که طی این تغییر و تبدیلات و مرمت و بهسازی ساختمانهای مربوطه، که بیشتر مربوط به دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی هستند، امکانات بیشتری در اختیار کانونها و انجمنهای هنری و فرهنگی و تحقیقاتی، اصناف و پیشه‌وران و هنرمندان کارهای دستی، کتابخانه ملی، چاپخانه ملی، موزه ملی، نگارخانه‌ها، عکاسخانه ملی و از این قبیل گذاشته خواهد شد و اینان به نقل مکان به این محلات زیبای شهر تشویق خواهند گردید.

البته ناگفته نماند که طبق اظهارات سال گذشته برخی مسئولین، هنوز بودجه خاصی برای این کار در نظر گرفته نشده، و پیشنهاد - کنندگان و تصویب‌کنندگان طرح هنوز به توافق نرسیده‌اند.

برای سبکهای معماری رایج غربی، که در سالهای اخیر تقابل کاذبشان ذهن اغلب معماران و دانشجویان جوان شهر ما را هم به خود مشغول کرده، تعیین شد. طبق معمول، بین صحبتها، کنایه‌هایی هم زده می‌شد در مورد اینکه بی‌توجهی به معماری قدیم ما، ناشی از رونق نایبجای معماری مدرن، در ۵۰ سال اخیر بوده، یک معماری غربی و بدون هویت که ما را از "بازگشت به خود" و "به خود آمدن" بازداشته و باعث شده شهرهایمان این صورت نایسامان و بی‌قواره را پیدا کنند. پاسخ به تمام این اشارات را مهندس نوحی در یک کلام کوتاه و بی‌حرارت داد. او به درستی یادآور شد که معماری مدرن در زمان ظهور خود پاسخی درخشان در مقابل جمود، تحجر و گذشته‌گرایی معماران اواخر قرن ۱۹، و راهگشای تولید انبوه مسکن و ساختمان برای تمام دنیا بود، و نظریات سرمدمدارانش مانند رایت، لوکور بوزیه و لوئی کان هنوز هم صائب و برجای خود استوار است. آنچه در ایران ساخته شده و معماری کوچک و خیابان ما را به ابتذال کشانیده معماری مدرن نیست، معماری بی‌نام و نشانی است که "معمارهای بساز و بفروش" رسم کرده‌اند، شیر بی‌یال و دمی است که در آن تنها به ارزش "بازاری" ساختمان توجه شده است. او اضافه کرد که به هر حال، ما باید یاد بگیریم از تجارب دیگران استفاده کنیم و هرچه از خارج آمده را متعصانه نغی و رد نکنیم.

دویستمین سال تولد تهران - پایتخت ایران آغا محمدخان قاجار، شهر تهران را در سال ۱۲۱۰ قمری، یعنی دویست سال پیش، به پایتختی ایران انتخاب کرد. شایسته می‌بود که در سال گذشته یا امسال مراسمی به همت مقامات علاقمند دولتی، بخصوص آنان که نقشی اجتماعی - فرهنگی به عهده دارند، برگزار می‌شد. این مراسم می‌توانست شامل نمایشگاههای عکسهای تهران قدیم، نقاشیها و موسیقی مربوط به این دوره ۲۰۰ ساله، فیلمهای تلویزیونی، سخنرانیها و سمینارهایی در سطوح مختلف برای شناساندن تاریخ تهران و مسائل تهران امروز به مردم علاقمند باشد. هنوز هم دیر نشده. ما چه از یونسکو کم داریم که امسال در پاریس دویستمین سال تهران را برگزار می‌کند؟ و از همین تهران خودمان نیز اشخاصی دعوت شده‌اند تا در مراسم و سخنرانیهای مربوط به آن شرکت کنند. سمینار بافت‌های قدیم نشان داد که در همین شهر خودمان کم نیستند کسانی که تمام اوقاتشان را صرف تحقیق و تفکر در مورد شهرهای کشورمان می‌کنند و در فکر راه‌حلهایی برای زیباتر کردن و تعالی بخشیدن به زندگی شهری در کشورمان